

## سخنی با خواننده

در این اثر کوشیده‌ایم به شکل قابل فهمی، اصول معناشناسی نوین را که بر مکتب پاریس مبتنی است، با تکیه بر منابع اساسی و اصلی معرفی کنیم. سعی بر این بوده است که این اصول و مبانی با معیارهای آن مکتب که در منابع و مآخذ این کتاب آمده است، هماهنگ باشد. امروزه این مکتب، نه تنها گستره اروپا را دربرگرفته، بلکه از آن نیز فراتر رفته است. به همین سبب، شایسته است این مکتب و نحوه به کارگیری مسائل معناشناختی آن به جامعه علمی کشور ما نیز معرفی شود.

علاوه بر معرفی معناشناسی، در اثر حاضر تلاش کرده‌ایم تحلیلی معناشناختی از داستانی ایرانی عرضه کنیم. این تحلیل نه تنها ویژگیهای کاربردی مکتب معناشناسی پاریس را نشان می‌دهد، بلکه مشخص می‌کند که معناشناسی شیوه‌ای برای تجزیه و تحلیل گفتمان است.

با توجه به این نکته که اثر حاضر، معناشناسی زبان را هم از لحاظ ساختار و هم از نظر محتوا دربرمی‌گیرد، به شکل خاصی می‌تواند مورد استفاده دانشجویان، استادان و دانش‌پژوهان رشته‌های زیان‌شناسی، زبان و ادبیات فارسی و زبانهای خارجی قرار گیرد. البته نوشتار حاضر تلاشی مقدماتی است و امید است که زمینه معرفی ابعاد گسترده‌تری از معناشناسی را متناسب با نیاز علمی رشته‌های مربوط، فراهم سازد.

در هنگام مطالعه این اثر، شاید بعضی از مثالها و توضیحات برای خواننده محترم ملال‌آور جلوه کند. در این باره باید گفت که کتاب جنبهٔ صددرصد آموزشی دارد و به همین دلیل است که مثالها هم ساده انتخاب شده و هم تعداد آنها زیاد است؛ به دیگر

سخن، بدون این توضیحات و مثالها، شناساندن این مکتب به نحو احسن میسر نبود. در واقع، در این کتاب هدف ما بیان نظریه‌ها نیست، بلکه می‌خواهیم شیوه‌های معناشناختی تجزیه و تحلیل کلام را بشناسانیم. در پایان، در مورد اشکال این کتاب نیز باید توجه کرد که این اشکال به الگوهای ثابتی تبدیل شده‌اند که حفظ آنها به همان گونه که نظریه پردازان علم معناشناسی ارائه کرده‌اند به نظرمان ضروری رسید.

## پیشگفتار

برخلاف بسیاری از کتابهای تخصصی که فقط برای معدودی از متخصصان یک رشته قابل استفاده است، در این کتاب سعی شده است مبانی علم معناشناسی به شیوه‌ای ساده و با مثالهای گوناگون معرفی شود. کوشش ما برای طرح و معرفی پایه‌های علم معناشناسی، گام نخست در جهت شناساندن این علم است و روش نظام‌مندی که در این بررسی از آن استفاده کرده‌ایم، این امکان را فراهم می‌آورد تا همه کسانی که به نحوی با متن، کلام یا گفته سروکار دارند بتوانند با ابزاری که از این طریق در اختیار آنان قرار می‌گیرد، به تجزیه و تحلیل و شناخت کلام (هرچند به طور مقدماتی) بپردازند. هدف اصلی ما در این کتاب، ارائه راههای ساده و مقدماتی برای بررسی متون و کلام به شیوه‌ای روشمند است؛ بنابراین، همه کسانی که برای مطالعه علمی و اصولی کلام، به آشنایی با علم معناشناسی نوین و داده‌های آن علاقه‌مندند، می‌توانند برای شروع، به مطالعه این کتاب بپردازند؛ بخصوص که مبانی و مسائل این علم با دیدگاهی کاملاً کاربردی عرضه شده است.

امروزه، هر کس که با زبان و ادبیات سروکار دارد، نیازمند ابزاری علمی است تا به کمک آن رویکردی تحلیلی به کلام یا متن داشته باشد. اکنون ممکن است این سؤال مطرح شود که چه چیزی این احساس نیاز را در مورد متون به وجود می‌آورد یا سبب تشدید آن می‌شود. در پاسخ باید گفت که هر متن یا کلام اطلاعات و دانسته‌های فراوانی در خود نهفته دارد و به همین دلیل، باید با آن به عنوان موضوعی شناختی برخورد کرد. معناشناسی به گونه‌ای که مورد نظر ماست، در پی کشف چگونگی سازماندهی این دانسته‌ها در کلام و بررسی تأثیر معنایی آنها در خواننده یا شنونده است. با این همه، ما به این نکته اعتراف می‌کنیم که هیچ علمی نمی‌تواند ادعای کشف همه دانسته‌های نهفته

در متن را داشته باشد؛ چون متن، هر چند ساده، نکاتی با خود دارد که در تاریخخانه آن زندانی می‌مانند و دستیابی به آنها ناممکن است؛ ولی آنچه مهم است معرفی بهترین، علمی‌ترین، دقیقترین و کاملترین روش برای بررسی و تحلیل متن است. یکی دیگر از اهداف معناشناسی روشمند کردن مطالعه و بررسی متون یا کلام است؛ به دیگر سخن، معناشناسی در پی معرفی راههایی است که با آن بتوان هر نوع متن یا سخن، اعم از کلامی یا غیرکلامی، را مطالعه و بررسی کرد.

پس، معناشناسی (براساس نظرگاهی که در اروپا و بویژه در فرانسه متداول است) در خدمت تجزیه و تحلیل گفتمان و در واقع کلیدی برای گشایش درهای متن یا کلام است. معناشناسی به نوعی جراحی دست می‌زند که همان «بُرش یا تقطیع کلامی»<sup>۱</sup> است که قطعه قطعه شدن متن را در پی دارد. پس از بررسی معناشناختی این قطعات که می‌توان هر کدام از آنها را حلقهٔ یک زنجیره انگاشت، کار اتصال آنها به یکدیگر برای دستیابی به «کل معنایی»<sup>۲</sup> آغاز می‌شود. امتیاز این شیوه، که نوعی حرکت از جزء به کل است، برخورداری از دقتی ویژه در تجزیه و تحلیل متن است. بدین سبب است که علم معناشناسی جهت مطالعهٔ معناشناختی خود را به «پیکره»<sup>۳</sup> کلامی محدودی معطوف می‌کند تا بتواند بررسی موشکافانه‌ای از متن به دست دهد. ما نیز داستانی کوتاه از داستانهای ایرانی را انتخاب کرده‌ایم تا بتوانیم بدقت نکات آن را بررسی کنیم.

سؤال دیگری که در اینجا پیش می‌آید، این است که چرا معناشناسی کار خود را با تکیه بر متن یا کلام آغاز می‌کند. همان طور که اشاره کردیم معناشناسی علم نظریه‌ها نیست، بلکه ابزار تجزیه و تحلیل است. در واقع، آنجا که زیانشناسی در دستیابی به معنا به بن‌بست می‌رسد، معناشناسی وارد میدان می‌شود؛ اما نه به صورت توصیفی، بلکه به شکل کاربردی. بر همین اساس ما نیز ترجیح می‌دهیم با اتکا به متنی داستانی نحوهٔ به کارگیری معناشناسی را در مطالعهٔ کلام بررسی کنیم. در حقیقت، بهترین شیوهٔ شناخت هر ابزار و یادگیری چگونگی استفاده از آن، به کارگیری آن است و نیز از همین

1. segmentation discursive

2. le tout signifiant

3. le corpus

راه است که می‌توان به کارآمدی یا ناکارآمدی آن ابزار پی برد. نکته قابل ذکر دیگر اینکه معناشناسی نه رقیب علوم دیگر و نه جانشین آنهاست؛ به بیان دیگر، اگر برای گفتمان «معنای ابتدایی»<sup>۱</sup> و «معنای ثانوی»<sup>۲</sup> قائل باشیم، معناشناسی سعی در جستجوی معنای ابتدایی و شناساندن آن دارد و دستیابی به معنای ثانوی را به عهده علوم انسانی دیگر مانند فلسفه، روانشناسی، جامعه‌شناسی و انسانشناسی می‌گذارد.

از دیدگاه معناشناسی، کلام مجموعه‌ای منسجم است و معناشناس کشف این انسجام و بررسی آن را در کلام برعهده دارد. بدون شک، چنین کشفی ممکن نیست، مگر آنکه معناشناس توجه خود را بر مطالعه فرایندی متمرکز کند که در آن حیات یا موجودیت کلام رقم می‌خورد. این فرایند همان عمل گفتمان است که هر گفته پرداز به گونه‌ای (برداشت، تجربه، دریافت، تمرین، تأثر، سرهم‌بندی و غیره) به آن می‌پردازد. بر این اساس، مرجع معنایی کلام را نه در پایان فرایند گفتمان، بلکه در جای جای و لحظه لحظه کلام که با خود نشان عامل گفتمانی (گفته پرداز) را دارد، باید جست. اعتقاد به عامل گفتمانی به عنوان مرجع معنایی یعنی اعتقاد به وجودی زنده و حساس که می‌تواند در فرایند گفتمان تحت تأثیر زیباییها، هیجانها، عواطف، دانسته‌ها، و همچنین احساس حضور دنیا یا دیگران در مقابل خود، به فعالیت گفتمانی بپردازد.

تفاوت چشمگیری که بین زیانشناسی (بخصوص با نگرشی سنتی) و معناشناسی به شیوه امروزی (سمیوتیک و نه سمانتیک) وجود دارد از اینجا ناشی می‌شود که معناشناسی در تجزیه و تحلیل کلام، متن را مجموعه‌ای منسجم و معنادار می‌داند، در حالی که زیانشناسی سنتی از جمله فراتر نمی‌رود. در واقع، زیانشناسی تنها به مطالعه مقوله‌ای نشانه‌ای (خطی و زمانی) که بر تقدم و تأخر تأکید دارد محدود می‌شود، در صورتی که در متون تصویری یا دیداری ما با پدیده همزمانی و همزیستی مواجه هستیم. معناشناسی امروزی درصدد عرضه فهرست کاملی از نشانه‌ها یا رده‌شناسی آنها، به گونه‌ای که نشانه‌شناسی در پی آن بود، نیست. آنچه معناشناسی بیش از هر چیز به آن

می‌پردازد، مطالعه و بررسی تمام وقایعی است که در ژرف ساخت نشانه‌ها یا بین آنها می‌گذرد. معناشناسی در پی کشف معنا در جایی است که بنیانهای ارتباط متقابل و تنگاتنگ نشانه‌ها با یکدیگر، در آن شکل می‌گیرد. از این دیدگاه، تجزیه و تحلیل معناشناختی متون بر این اصل استوار است که کلام یا متن محل تجمع نشانه‌ها نیست، بلکه محل شکل‌گیری فرایندی معنایی است که مسؤولیت اصلی تولید آن بر عهدهٔ گفتمان است. به همین دلیل است که نظریه‌های معناشناسی، متن یا کلام را «مجموعه‌ای معنادار»<sup>۱</sup> می‌دانند که می‌توان به مطالعه و درک آن پرداخت. راهی که معناشناسی برای دستیابی هر چه بهتر به چنین مجموعه‌های معناداری پیشنهاد می‌کند، این است که برای متن، ابعاد یا سطوح گوناگونی در نظر بگیریم که منتج از نوعی عملیات برش باشد. این سطوح ساختارهای مختلفی هستند که در متن با آن مواجه می‌شویم: ساختار عاملی<sup>۲</sup>، ساختار ارزشی<sup>۳</sup>، ساختار نمودی<sup>۴</sup>، ساختار تحولی<sup>۵</sup>، ساختار صوری<sup>۶</sup>، ساختار ضمنی<sup>۷</sup>، ساختار حسی-ادراکی<sup>۸</sup> و غیره. بدیهی است که از مجموعه این ساختارها انسجام معنایی حاصل می‌شود. بی‌شک، نبود چنین انسجامی موجودیت متن را دچار مشکل می‌کند و سردرگمی گفته‌پرداز را به دنبال دارد. البته، متن ممکن است تأثیرات معنایی گوناگونی بر گفته‌پرداز بگذارد، اما این تأثیرات از انسجام خاصی برخوردارند که مانع از هم‌پاشیدگی ذهنی خواننده و ایجاد ابهامات بی‌مورد می‌شود.

در هر حال، آنچه امروز معناشناسی در پی آن است و تا حدود زیادی به آن دست یافته، گذر از ساختارگرایی سخت و خشک به روش‌شناسی منعطف و ملایم ولی پویاست. چه کسی می‌تواند این نکته را انکار کند که معناشناسی نیز مانند همهٔ علوم انسانی دیگر با انسان به عنوان عامل کلامی درون متنی یا برون متنی، سروکار دارد و در هر مطالعه‌ای که پای انسان در میان باشد «صوری‌سازی» خشک و نامنعطف کاری

1. un ensemble signifiant

2. structure actantielle

3. structure axiologique

4. structure aspectuelle

5. structure narrative

6. structure figurative

7. structure thématique

8. structure perceptive

عبث است. همین مسأله است که زیان‌شناسی سنتی را از معناشناسی پویای امروزی جدا می‌کند. امروز دیگر دوران قالبهای خشک و صوری به سر آمده است و هدف معناشناسی نیز از فرمول‌بندی، دستیابی به روش نظام‌مند برای پی بردن به معنای متن یا کلام است. پس نباید «فرمول‌بندی» را با «صوری‌سازی» اشتباه گرفت. روش‌مند کردن علم فرمول‌سازی را ایجاب می‌کند. در اینجا منظور ما فرمولهای ریاضی‌گونه و قالبی نیست، بلکه به کارگیری مفاهیم براساس روشی نظام‌مند است تا بتوان آن را مانند کلیدی برای راهیابی به راهروهای پر پیچ و خم متن یا کلام و در نهایت درک تأثیر معنایی ناشی از آن به کار برد. اما صوری‌سازی یعنی رفتاری ریاضی‌گونه و قالبی که معناشناسان ساختارگرا در سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ بیش از هر زمان دیگر در پیش گرفتند. یکی از سؤالات دیگری که در اینجا باید به آن پاسخ گفت این است که آنچه ما معنا می‌خوانیم چیست؟ در واقع، معنا چیزی نیست جز جریانی جهتدار. برای چیزی معنا قائل شدن یعنی برای آن جهتی در نظر گرفتن. منظور ما از جهتدار بودن معنا این نیست که هر پدیده‌ی معنایی مرجعی دارد و معنا فرایندی در حال نیل به این مرجع است، بلکه حرکت به سوی مرجع یکی از جهت‌های ممکن است که می‌توان برای معنا در نظر گرفت. معنا ممکن است در جهت نابود کردن خود نیز حرکت کند و این یعنی هیچ مرجعی برای معنا قائل نشدن؛ در این مورد می‌توان بسیاری از رمانهای نو را مثال زد که در پی اثبات بی‌معنایی معنا هستند. از سوی دیگر، ممکن است معنا فقط در جهت دستیابی به نوعی انسجام معنایی پیش رود که در این حالت ما معنایی را حس می‌کنیم. گاهی نیز پدیده‌ای معنا دار در پی بازیابی شکلی خاص و شناخته شده است که می‌توان چنین وضعی را به بازیابی معنایی تعبیر کرد. در هر صورت، معنا وجودی است شکل نیافته که معناشناس با شکل دادن و نظم بخشیدن به آن سعی می‌کند آن را قابل درک کند. بدیهی است که شکلدهی به معنا هنگام بررسی کلام یا متن صورت می‌گیرد. کلام خود نوعی فعالیت گفتمانی زنده است؛ زنده به این معنا که گفتمانی که ما با آن سروکار داریم، گفتمان «در حال تولید»، یعنی گفتمانی است که موجب حضور می‌شود؛ حضور گوینده یا گفته‌پرداز. بنابراین، امروزه باید کلام را پدیده‌ای دانست که دو خاصیت مهم

دارد: اول، همان خاصیت کلیشه‌ای است که ما را وا می‌دارد به جستجوی تولیدات قالبی و قراردادی کلام پیردازیم و دوم، خاصیت حضور در حین تولید است که کلام زنده را پدید می‌آورد. در این حالت، معناشناس در تجزیه و تحلیل کلام با حضوری بشری و زنده مواجه می‌شود که گویا در همان لحظه و در زیر نگاه او شکل می‌گیرد و این همان چیزی است که گفتمان در حال تولید نامیده می‌شود. چنین گفتمانی پویا و زاینده و به طور مداوم در پی خلق صورتهایی جدید است. به همین دلیل می‌توان کلام را دگرگون کردن نظام حاکم بر کلامهای پیشین برای خلق نظامی جدید نیز دانست.

همان طور که گفته شد، آنچه در این کتاب در درجه نخست اهمیت است، جنبه آموزشی آن است. در حقیقت این کتاب نوعی راهنماست که خوانندگان را یاری می‌کند تا با مبانی علم معناشناسی جدید آشنا شوند. از ویژگیهای مهم کتاب آموزشی این است که دربرگیرنده اصول و مبانی نظری و عملی علم به شکلی ساده و قابل استفاده برای خوانندگان باشد. البته، همان طور که قبلاً نیز اشاره کردیم، هدف معناشناسی نظریه پردازی صرف نیست، بلکه بیشتر ارائه راههای عملی دستیابی به معناست. بی‌شک، چنین هدفی پاره‌ای توضیحات را ایجاب می‌کند که ما آن را جنبه نظری این علم می‌خوانیم.

مبانی هر علم باید به گونه‌ای نظام‌مند، منسجم، روشن و کاربردی معرفی شوند. همچنین این مبانی باید به شیوه‌ای بیان شوند که خوانندگان از آخرین دستاوردهای علمی در آن علم آگاه شوند. بر این اساس، ما در فصل اول این کتاب به طور روشن و واضح این مبانی را توضیح خواهیم داد. آغاز بحث ما سمیولوژی و تحول آن تا رسیدن به سمیوتیک امروزی خواهد بود. زبان، صورت و محتوا و همبستگی بین آنها از دیگر مباحث فصل نخست است. ما این فصل را با مباحث مربوط به گفتمان و فعالیت گفته پردازی که کلام زنده و در حال تولید را نیز در برمی‌گیرد به پایان خواهیم رساند. فصل دوم این کتاب، ما را با مباحث کاربردی علم معناشناسی آشنا خواهد ساخت. در همین خصوص خواننده با تجزیه و تحلیل معناشناختی کلام آشنا خواهد شد. این تجزیه و تحلیل درباره متنی بسیار ساده، یعنی یک داستان کوتاه ایرانی انجام خواهد



گرفت. یکی از دلایل این انتخاب این است که نشان دهیم چگونه متن، هر چند ساده، در خود اطلاعات و مسائلی را می‌پروراند که ارزشهای شناختی عمیقی دارند. بررسی معناشناختی داستانی ساده و ایرانی ما را با فرایند گفتمان و مسائل عاملی، هویتی، ادراکی، ارزشی، کنشی و غیره که ممکن است در کلام مطرح باشند، آشنا خواهد کرد. شایان ذکر است که این تجزیه و تحلیل عملی و معناشناختی ابتدا در رساخت گفتمان و سپس در ژرف ساخت آن صورت خواهد گرفت.

براساس آمادگی‌ای که فصل دوم این کتاب در خواننده ایجاد خواهد کرد، در فصل سوم به بیان و توضیح برخی از مفاهیم معناشناختی دیگر خواهیم پرداخت؛ مفاهیمی چون: معنای صوری و ضمنی، فشردگی و گسترده‌گی کلامی، وجه اشتراک در گفتمان و افعال مؤثر. همچنین سعی می‌کنیم تا به طور مختصر به توضیح معناشناسی کنشی، سودایی - عاطفی و شناختی پردازیم. پس فصل سوم این کتاب بازگشت به مبانی نظری است که شناخت آنها در تجزیه و تحلیل متن ضروری است. امیدواریم بتوانیم در این کتاب ابزاری مقدماتی در اختیار همه کسانی بگذاریم که با مسأله‌ای به نام بررسی متون، یا تجزیه و تحلیل معناشناختی کلام مواجه هستند. همچنین، امید داریم که این کتاب مقدمه‌ای برای تحقیقات آتی باشد و راهی که ما در آن آغاز کرده‌ایم با انتشار کتابهای دیگر ادامه یابد و کامل شود.